

پژوهش‌های ایران‌شناسی



■ نویسنده: ایرج افشار
■ انتشارات بنیاد
موقوفات دکتر محمود
افشار
۱۳۸۴

پژوهش‌های ایران‌شناسی: نامواره دکتر محمود افشار، مجموعه آثاری از مرحوم استاد ایرج افشار است که در آن آخرین نتایج ایران‌شناسانه و تحقیقات ایرانی گردآوری شده است. ایرج افشار همانند پدرش محمود، یکی از چهره‌های میهن‌دوست و ملی‌گرای عرصه فرهنگ ایران است که برای پایداری پژوهش‌های ایرانی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار را تاسیس کرده و به یادگار گذاشته است.

دفتر تاریخ



■ نویسنده: ایرج افشار
■ انتشارات بنیاد
موقوفات دکتر محمود
افشار
۱۳۸۴

دفتر تاریخ (مجموعه اسناد و منابع تاریخی)، به کوشش ایرج افشار است. این مجموعه درازدامن و ارزنده از انتشارات موقوفه دکتر محمود افشار، سندها و مدارک و رساله‌هایی تاریخی را دربردارد که همه آنها برای شناسایی گوشه‌های تاریخی بخشی از ایران سودمندند. بیش‌تر سندهای این دو دفتر خواندنی‌اند و از اسناد مهم تاریخ ایران به شمار می‌روند.

فرهنگ ایران زمین



■ نویسنده: ایرج افشار
■ انتشارات بنیاد
موقوفات دکتر محمود
افشار
■ دوره سی جلدی

فرهنگ ایران زمین، مجله پژوهشی است که هر سه ماه یک بار در زمینه مطالعات و تحقیقات ایرانی منتشر می‌شود. فرهنگ ایران زمین مجله‌ای کاملاً تحقیقی از اساسی‌ترین و جدی‌ترین مجلات است که به اسلوب نشریاتی که در زمینه مطالعات خاورشناسی و ایران‌شناسی در آن روزگار در جهان وجود داشت، به طبع می‌رسید.

ایران‌شناس اعظم

چند قطعه درباره استاد ایرج افشار، ایران‌شناس ایرانی

رسول جعفریان نویسنده و محقق

ایرج افشار، نامی که در میان ایران‌شناسان خارج از کشور، چندین برابر آنچه در ایران شناخته شده، آشناست. این نیست جز آنکه، آنچه نوشته است، آثاری است مقبول، مهم، روشنگر و در زمینه ایران‌شناسی به ویژه اطلاع‌رسانی در این حوزه، بی‌همتا. افشار از خاندانی شناخته‌شده است؛ خاندانی که به لحاظ فرهنگی، خاندانی است خدمت‌گزار، خاندانی که کافی است سری به موقوفاتشان در تهران و دیگر نقاط و حتی خارج از کشور زده شود، موقوفاتی که همه برای آموزش، تعلیم، تربیت، اعتبار، اهمیت و اعتلای زبان فارسی است. کارنامه ایرج افشار در حوزه «کتاب» بدون اغراق، با هیچ‌کس دیگری در این کشور قابل مقایسه نیست. آنچه این مرد در حوزه «ایران» در قالب «کتاب» و «مقاله» عرضه کرده

نشد و یک‌سره، با هر کسی که رفت‌وآمد داشت، برای کتاب و ایران بود. خدمات وی در حوزه فهرست‌نویسی در انواع و اقسام زمینه‌ها، نه تنها حاوی روش‌های ابتکاری است، بلکه از گستره قابل توجهی برخوردار است. صرف تاسیس نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران کافی است که از وسعت آن کار و اهمیت آن حیرت‌زده شویم. مشارکت در فهرست‌نویسی نسخ خطی در کتابخانه مجلس از دیگر فعالیت‌های اوست. همین‌طور کتابخانه ملک که به طور ضربتی به انجام رسید و فهرستی از اندوخته‌های ارزشمند آن در اختیار قرار گرفت.

وی نزدیک چهارده سال (۵۸-۴۴) ریاست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران را داشت؛ دوره‌ای که این کتابخانه، کتابخانه شد و هزاران نسخه خطی و ده‌ها هزار برگ سند و عکس در آن جای گرفت. فهرست مقالات فارسی یکی از ارزشمندترین آثاری بود که از این مرد

منتشر شد و راهنمای مهمی برای دانش‌پژوهان برای هزاران مقاله‌ای بود که در نشریات و مجموعه‌های مختلف چاپ شده بود.

دست و دلبازی افشار برای کمک به مراجعین، از دانشجو گرفته تا اساتید، از داخل کشور تا خارج، چندان بود که کمتر کسی را می‌توان یافت که از وی دلخور شده باشد.

علاقه‌اش به هر کاری که به نوعی به ایران مربوط می‌شد، بسیار جدی و حامی آن بود. نه خستی نداشت، نه چیزی را برای خود نگاه می‌داشت و نه وقتی دست دیگران می‌دید، حسادت می‌ورزید. اخلاق و منش او در چارچوب نگاهی بود که به این قبیل آثار داشت. همین امر سبب شده بود تا بسیاری به او اعتماد کرده و اسناد خصوصی خود را در اختیارش قرار دهند.

حافظه عجیب او یکی از شگفتی‌های زندگی وی بود. وقتی روز ششم اسفند در بیمارستان جم به دیدنش رفتم و صحبت از نسخه‌های کردم، دقیقاً به یاد داشت که این کتاب، نسخه‌ای در لندن دارد. این در حالی بود که ضعف زیادی بر وی مستولی بود.

زمانی تعدادی از نشریات شروع به تندروی علیه وی کرده و مطالبی منتشر کردند. افشار هیچ‌گاه وقعی به این مطالب نگذاشت، نه پاسخ گفت، نه اعتراض کرد و نه ایران را ترک کرد. وی در حالی که بیشتر فرزندانش خارج از کشور بودند و از مکنت مالی زیادی هم برخوردار بود، در اوج همان حرف‌ها و مطالب، حاضر به ترک ایران نشد. این اواخر هم که احساس کرده بود مریضی او شدت پیدا کرده و ناعلاج است، خواسته بود به ایران بازگردد. گفته بود که در فضای ایران بهتر می‌تواند تنفس کند. افشار مردی بود برای ایران، دوستدار ایران، و از آنجایی که بخشی مهمی از

